



حامد غزینی نویسنده

دو طلای ناب

۱- آیا شما به چیزی اعتقاد دارید؟

این چه حرفیه، اختیار دارید، این همه یال و کویال؟! ما داریم نون اعتقادمون رو می‌خوریم...

۲- چگونه این اعتقادها را به دست آوردید؟

...! بحث جدیده. فکر کردم دارید شوخی می‌کنید. چه عجب یک سوال حساب شده. چون بعضی‌ها فکر می‌کنند اعتقاد از آسمان می‌آید. در حالی که باید برای رسیدن به آن تلاش کرد. البته حالا بعضی‌ها فکر نکنند پس این طور که شد... نمی‌شه... تنبلی کنند.

این اعتقاد به موجودیه که اگه تو برای رسیدن بهش تلاش نکنی، اون خودش از هر راهی که شده توی دلت نفوذ می‌کنه، اونی برنده است که بتونه خودش راه رو برای وارد شدن جناب اعتقاد به دلت باز کنه.

۳- آیا اعتقاد داشتن، ارثی است؟

عجیب... ارثی نیست، شناسنامه‌ای هم نیست، ولی راستش بخواید این چند ساله اخیر، مذهب برای خیلی‌ها شناسنامه‌ای شده، یعنی طرف اصلاً اهل هیچ چیز نیست، ولی تو شناسنامه‌اش نوشته شیعه... ولی اعتقاد کاری به این حرف‌ها نداره، شاید به کسی پیدا بشه شیعه شناسنامه‌ای باشه، اما اعتقاداتش عین یزید باشه و شاید هم بالعکس، خلاصه نه دانش این یکی دیگه ارثی نیست!

۴- از کجا می‌دانید که اعتقادهای شما خوب است؟

دوستی حرف خوبی می‌زد، وقتی دل آدم به به چیزی راضیه، تقریباً اون خوبه من اصلاً احساس عذاب وجدان ندارم، چون می‌دونم تمام دنیا و رنگ‌های مختلف اون رو بگردم، خوش رنگ‌تر از این اعتقاد پیدا نمی‌کنم.

اعتقاد ما از تلفیق دو تا طلای ناب که به هیچ وجه این ترکیب توی این دنیا پیدا نمی‌شه درست شده، این طلای ناب اکسیری که از قرآن و عترت شکل گرفته، اون هم ۱۴۰۰ سال قبل. من دلم برای اونایی می‌سوزه که این اکسیر دم دستشونه اما ازش غافل‌اند و رفته‌اند سراغ بدلی‌جات‌ها!

۵- فکر می‌کنید اعتقادهای بد هم وجود دارد؟

ای آقا شما مارو گرفته‌ای، باید بگی کدام اعتقادها خوب‌اند، توی این دنیا نفس می‌کشی اعتقاد بد و زشت و کره سرازیر می‌شه تو حلقوم آدم، اون وقت شما می‌گی اعتقاد بد وجود دارد؟

عَر آدم‌های بی اعتقاد چه شکلی هستند؟

شکل جرج دبلیو بوش، خیلی قشنگه نه؟!

۷- به نظر شما معتقدترین آدم دنیا کیه؟ چرا؟

یا علی مدد! این دیگه از اون سواله‌است، خدو پیغمبر جواب مارو دادند: علی مع الحق و الحق مع علی، وقتی حق و علی یک ترکیب جدا نشدنی هستند، حق‌ترین اعتقاد خود مولاست و معتقدترین حقیقت هم باز خود مولاست.

۸- اعتقاد ناب چیست؟

ما یک اعتقاد ناب داریم که از حضرت آدم تا امروز بوده و هست، باید بریم دنبالش، من ممکنه به شما به چیزی بگم شما بگی باز دوباره شمارو... ولی اگه بهش برسی، اون وقت خیلی دوستش داری. فقط یک آدرس می‌دم، باید به روز جمعه بشینی با خودت خلوت کنی از حضرت آدم بگیری تا خودت، نقطه مشترک این‌ها رو دریاری، همون می‌شه اعتقاد ناب.

تا اگر آن یگانه دوران نمی‌بود!

حسن ابراهیم زاده - نویسنده، محقق

۱- آیا شما به چیزی اعتقاد دارید؟

بی اعتقاد نمی‌شود زیسته. بی اعتقادی هم نوعی اعتقاد است، در فرهنگ‌های دینی ما از آن به عنوان‌های گوناگون یاد شده است، من نیز همانند همهٔ موحدان بر این اعتقاد که آغاز و انجام کائنات در يد قدرت خالق است معتقد، که بی‌اذن او برگی بر زمین نمی‌افتد، گیر من مانند هر کس دیگری در انطباق رفتار و کردارم با اعتقاد، و در خوف و رجا، تا واپسین لحظات زندگی هستم، عاقبت به خبری هم یعنی همین: در لحظهٔ آخر، اعتقاد با عمل یکی شود.

۲- چگونه این اعتقادات را به دست آوردید؟

این اعتقادات در نهان و نهاد هر کسی است. به فطرت خداجوی انسان باز می‌گردد، از این‌رو می‌توان گفت: درو حلهٔ نخست کشش درونی و در مرحله دوم برآهین عقلی.

۳- آیا اعتقاد داشتن، ارثی است؟

گذشته از فطرت اگر نامش را هر چه می‌گذارید، ارثی و یا... از زوایای دیگر می‌توان گفت: تربیت فردی و اجتماعی نیز نقشی انکارناپذیر، در بیداری فطرت و به دنبال آن اعتقادات ناب دارد.

۴- از کجا می‌دانید که اعتقادات شما خوب است؟

خدائوند سبحان میزان و ترازویی را برای شناخت اعتقاد درست از نادرست قرار داده است، ملاک و معیار هر اعتقاد درستی، همخوانی آن با قرآن و سنت و عدم تعارض و تضاد با این دو ودیعه و امانت رسول خدا ﷺ است.

۵- فکر می‌کنید اعتقادهای بد هم وجود دارد؟

به آموزه‌های قرآنی و توحیدی نگاه کنید، واژه و اعتقاد سومی نداریم، یک طرف نور است، یک طرف ظلمت، یک طرف ایمان است یک طرف کفر، یک طرف حق است یک طرف باطل، یک تمدن، تمدن توحیدی است، یک تمدن، تمدن شرک و شیطان. هر اعتقادی ریشه در نور، در ایمان و در تمدن توحیدی نداشته باشد، خدائوند می‌فرماید بد و باطل است؛ هر چند که ادعای به رستگاری رساندن مردم را داشته باشد.

عَر آدم‌های بی اعتقاد چه شکلی هستند؟

ویژگی و شکل و شمایل خاصی ندارند. به تعبیر امیرمؤمنان «فی تقلب الاحوال تعرف جواهر الرجال» در دگرگونی‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی می‌توان سره را از ناسره باز شناساند، در ابشار می‌توان کف را از آب تمیز داد، انسان هُره‌ری مذهب یعنی همان‌هایی که وجود مقدس حضرت علی (ع) را در نهج البلاغه به عنوان «همج الراع» یاد کرده‌اند که باد به هر سو بوزد به همان سو حرکت می‌کنند، اینان انسان‌های بی اعتقاد هستند که روزی به دست روزگار نقاب از چهره‌شان می‌افتد.

۷- به نظر شما معتقدترین آدم دنیا کیه؟ چرا؟

به نظر من بعد از وجود مقدس امام معصوم (عج) در این عصر امام خمینی (ره) چرا؟ چون اگر این یگانهٔ روزگار، معتقدترین فرد نبود، نمی‌توانست در عصری که همهٔ نحله‌های سیاسی و فرهنگی (العیاذ بالله) حذف خدا را در همهٔ شئونات سیاسی، فرهنگی و معادلات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و... شریان و جریان دهد.

به سیرهٔ سیاسی و سلوک اجتماعی و سخنان امام نگاه کنید، به این جملهٔ امام که «والله در تمام عمرم نترسیدم»، گویاترین سند برای اینکه این جمله از آن امام است، کسی که نمی‌ترسد، می‌تواند جامعه‌ای را به سوی کمال نترسین از مرگ سوق دهد و «دوکوه» را به «خمیه گاه کریلا» تبدیل کند، به فراز پایان و صیبتنامه سیاسی الهی امام نگاه کنید: «با دلی آرام و قلبی مطمئن به سوی جایگاه ابدی سفر می‌کنم» این جمله را هیچ عارف و زاهد و سالکی جرأت بر زبان آوردنش نداشت، این جمله پرده از اعتقادات ناب و درست امام در همهٔ رفتارهای سیاسی و اجتماعی بر می‌دارد.

۸- اعتقاد ناب چیست؟

اعتقاد به غیب، همان اعتقاد ناب است، اگر خود را در محضر قرآن کریم قرار دهیم می‌بینیم خالق هستی در سخنان آغازین خود با بندگان خود می‌فرماید: «الم، ذلک الکتاب لا ریب فیه، هدی للمتقین، الذین یؤمنون بالغیب» اینکه خدای سبحان اولین شاخصه متقین را ایمان به غیب می‌داند، دارای رمز و رازی است.

اگر آن یگانه دور آن نمی‌بود!

حسن ابراهیم زاده نویسنده، محقق



به سوی عالمی بزرگتر می‌بیند اعتقاد ناب، یعنی اعتقاد به غیب، کسی که به این اعتقاد رسیده، نمی‌گوید «خبرشهر» را سر مردم آزاد کرده! اگر بپوشد بر دست و بازوی زنده می‌زند به خاطر آن است که دست خدا بر آن است می‌گوید «جهان را هم چنین خبرشهر خدا آزاد کرده» می‌گوید «امریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند».

کسی که اعتقاد به غیب داشت، در حقیقت به قدرت مطلق، زبانی مطلق، زبانی مطلق... معتقد است. چنین کسی تسلیم معاملات جهانی و اجتماعی نمی‌شود از کسی واهمه ندارد، پایش نمی‌لرزد، دست درویشی به سوی کسی دراز نمی‌کند، از تنهایی و یاسی موحلان در سبزه با تمیزیای نور وحشت ندارد، مرگ در ریخته‌ای